یادداشت

تفاوت استراتژی بایدن و ترامپ

احسان ابطحی
کارشناس مسائل بین‌الملل

جوزف نای، نظریه‌پرداز مشهور در کتاب «رهبری و قدرت هوشمند»، مفهوم «قدرت هوشمند» را تئوریزه کرد که ترکیبی از قدرت سخت و قدرت نرم برای رسیدن به اهداف نهایی در روابط بین‌المللی است. چنین استدلال می‌کند که نه قدرت نرم و نه قدرت سخت به تنهایی نمی‌توانند به یک سیاست خارجی موثر منجر شوند. قدرت نرم را چنین تعریف می‌کند: «توانایی اثرگذاری بر دیگران، از طریق ابزارهای هماهنگ و در چارچوب یک دستورکار اقناع‌کننده و همچنین کشف جذابیت‌های مثبت با هدف رسیدن به نتایج مورد نظر.» از سوی دیگر قدرت سخت به مفهوم استفاده از ابزارهای نظامی و اقتصادی برای رسیدن به اهداف موردنظر است. گرچه قدرت سخت، به تنهایی قادر به گذار عراق و افغانستان به دموکراسی و تشکیل یک دولت کارآمد در این کشورها نشد، اما قدرت نرم هم به تنهایی نمی‌تواند طالبان یا داعش را شکست دهد. بنابراین، ترکیبی از این دو برای داشتن یک استراتژی معتبر مورد نیاز است. به باور اندیشمندان ایالات‌متحده باید در برابر ایران از «دیپلماسی هوشمند» استفاده کند اکنون و با ورود جو بایدن به کاخ سفید، فاز جدیدی از تقابل ایران و آمریکا شکل گرفته و «برداشتن گام اول» از سوی هر کدام از طرفین به محل مناقشه تبدیل شده است. تهران خواستار لغو همه تحریم‌هاست و از سوی دیگر واشنگتن تاکید دارد که تهران برای لغو تحریم‌ها ابتدا باید به تعهدات هسته‌ای خود ذیل برجام بازگردد. بایدن میراث‌دار وضعیتی در روابط تهران و واشنگتن است که بسیار آشفته‌تر از چهار سال گذشته است. اکنون چالش میان دو طرف تنها محدود به مساله هسته‌ای ایران نیست، بلکه او علاوه بر برنامه هسته‌ای تهران، با طیف گسترده‌ای از چالش‌ها از جمله برنامه موشکی و نقش منطقه‌ای ایران مواجه است. فاکتور دیگری که برای تیم دیپلماسی بایدن بسیار حائز اهمیت است، احتمال روی کار آمدن یک رئیس‌جمهور اصولگرا و تندرو در ایران است. رئیس‌جمهور ایالات‌متحده به خوبی از دیوار بلند بی‌اعتمادی میان تهران و واشنگتن در توافق برجام مطلع است و می‌داند این موضوع می‌تواند کار را برای هرگونه ابتکار دیپلماتیک دشوارتر از همیشه کند. بایدن با وجود خوش‌بینی‌های اولیه درباره بازگشت به برجام از وضعیت بسیار پیچیده و بغرنج حاکم بر روابط ایران و آمریکا مطلع است. او در یادداشتی که در ماه سپتامبر برای سی‌ان‌ان نوشت، تاکید کرد که «راه هوشمندانه‌تری برای سخت‌گیری بر ایران وجود دارد.» به عبارت دیگر بایدن قصد دارد استراتژی «قدرت نرم» را هم با استفاده از «دیپلماسی هوشمند» در مواجهه با ایران در پیش بگیرد که ترکیبی از استراتژی‌های قهرآمیز و معتدل است. برگ‌های برنده‌ای در دست تهران است که قدرت چانه‌زنی ایران را در فضای مذاکرات جدید بطور نسبی افزایش داده است. تمرکز تصمیم‌گیری در سیاست‌خارجی ایران در اختیار هسته مرکزی نظام تصمیم‌گیری است. این فضا، شرایط را برای اتخاذ یک تصمیم منسجم و واحد فراهم‌تر می‌کند و این دقیقا در نقطه مقابل فضای حاکم بر آمریکاست. بایدن برای بازگشت به برجام با فشار سنگین لابی اسرائیل، عربستان، مخالفت گسترده جمهوری‌خواهان و حتی برخی چهره‌های سرشناس دموکرات مواجه است. دومین اهرم چانه‌زنی ایران، حرکت به سمت غنی‌سازی ۲۰ درصدی است. موضوعی که به‌زعم غربی‌ها می‌تواند تهران را به نقطه گریز هسته‌ای نزدیک‌تر کند. رئیس‌جمهوری آمریکا برای حل موضوع هسته‌ای ایران جدیت دارد، این موضوع از انتصابات مهم او مانند بلینکن، سالیوان و رابرت مالی که در جریان مذاکرات منتهی به برجام نقشی کلیدی داشتند، کاملا عیان است. تیم بایدن درحال تدوین یک استراتژی «دیپلماسی هوشمند» است، این استراتژی همچنان معطوف به حل مساله اما واقع‌گرایانه و احتیاط‌آمیز است. ترجیح بایدن این است که دولت فعلی ایران را مجاب کند تا به‌زعم او شتاب حرکت ایران به سمت توانایی ساخت سلاح هسته‌ای را کُند کند. در این چارچوب احتمالا بایدن برخی تحریم‌ها را کاهش خواهد داد اما قطعا همه تحریم‌ها را به‌طور کلی لغو نخواهد نکرد بنابراین به احتمال زیاد، دولت بایدن از سناریوی رفع تحریم‌ها عقب کشیده و منتظر انتخابات ریاست‌جمهوری ایران می‌ماند. دولت بایدن در حال «مدیریت روند چانه‌زنی» با تهران است، روندی که در آن بازیگران بیشتری حضور دارند، زمان‌برتر و دشوارتر خواهد بود. با این تفاسیر، می‌توان پیش‌بینی کرد که دور جدیدی از «دیپلماسی هوشمند» از سوی واشنگتن درحال پی‌ریزی است که معطوف به حل مساله است و وابستگی بسیاری به فضای مذاکراتی و «توانایی ایجاد توازن در چانه‌زنی» میان دو طرف دارد.

دریچه

نایب رئیس اول مجلس تاکید کرد

سفر به شهرهای آبی و زرد با رعایت پروتکل‌ها

نایب رئیس اول مجلس با اشـــاره به تصمیم ستاد ملی مقابله با کرونا درخصوص وضعیت سفرهای نوروزی گفت: سفرها برای شهرهای آبی و زرد با رعایت پروتکل‌ها انجام می‌شـــود، اما در جلسات آتی شهرهای آبی و زرد مشخص خواهند شد. سید امیرحســـین قاضی‌زاده هاشمی افزود: متاسفانه شرایط خوزستان بدتر شده و تعداد مبتلایان خیلی زیاد شده است. وضعیتی که ویروس انگلیسی ایجاد کرده سرعت فوق‌العاده بالایی دارد و افراد را سریع بدحال می‌کند. این ویروس در سنین پایین، حتی کودکان وضعیت بد تنفســـی ایجاد می‌کند، در حالیکه این حالت در ویروس ووهان دیده نمی‌شـــد و از این نظر خیلی نگران کننده است. وی با بیان اینکه ویروس انگلیسی قدرت پیش بینی را کاهش داده است، تصریح کرد: ویروس ووهان را می‌توانســـتیم ظرف دو هفته پیش بینی کنیم که کدام شهرها وضعشـــان بدتر یا بهتر می‌شود ولی الان به علت سرعت سیر بالایی که دارد قدرت پیش بینی ما را به شدت کاهش داده است. این عضو ستاد ملی مقابله با کرونا اظهار داشت: استان‌های همجوار خوزستان نیز مانند چهارمحال و بختیاری کم کم وارد وضعیت نامناسبی شـــده‌اند و باید به این توجه ویژه‌ای کرد. وی افزود: بعضی از استان‌های مرکزی کشور همانند استان البرز، قم، تهران و قزوین به علت اینکه مورد تردد مردم همه کشور هســـتند و جمعیت مهاجر زیادی که در ارتباط با استان خودشان هستند و در این استان‌ها در حال ترددند، احتمال سرایت را در این استان‌ها بالا می‌برند که نیاز به توجه است. قاضی زاده هاشمی با اشاره به گزارشات مبنی بر عدم تاثیر جدی تزریق واکسن کرونا برای پیشگیری از این ویروس، توضیح داد: بر طبق این گزارشات به چند دلیل هنوز معلوم نیست واکسیناسیون در کشورهای خارجی که انجام داده‌اند تا چه میزان تاثیر جدی روی پیشگیری بگذارد؛ اولا هنوز حجم زیادی واکسن وجود ندارد و برای اینکه این چرخه پاندمی کرونا قطع شود لازمه اش واکسیناسیون شدن حدود ۶۰ درصد مردم دنیا است. هنوز این حجم از واکسن در دنیا تولید نشده است. از طرفی خیلی از کشورها فقیر هستند و امکان خرید و تزریق واکســـن وجود ندارد و این طول خواهد کشـــید. قاضی زاده هاشمی در مورد کمبود نیروی انسانی در بیمارستان‌ها و کادر درمانی نیز اظهار داشت: متاسفانه کمبود پرستار داریم. ما خیلی علاقه مند بودیم تا تعرفه گذاری خدمات پرستاری که مقام معظم رهبری بر آن تاکید داشتند در مجلس و در کمیسیون تلفیق رای بیاورد اما متاسفانه با وجود پیشنهادات خوبی که داده شده بود، امکان پذیر نشد، شاید مجلس و کمیسیون باید توجه جدی‌تری می‌کرد.

پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

برخورد احساسی با برجام و FATF اشتباه است

- ایران از فرصت نشست غیرعلنی پیشنهادی اروپا استفاده کند
- با مساله برجام و ۵+۱ شعاری برخورد نشود
- در برجام باید دیپلماتیک و مصلحت‌اندیشانه عمل کرد
- منظور از همه تحریم‌ها؛ تحریم‌های یکجانبه آمریکاست

آرمان ملی- حمید شجاعی: کمتر کسی فکر می‌کرد که اگر جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به پیروزی برسد اقدامی غیر از بازگشت سریع به برجام و لغو تحریم‌های ایران انجام خواهد داد؛ اما شرایط به‌نحوی پیش رفت که بایدن به پیروزی رسید و طبق وعده‌های از پیش تعیین شده به معاهده آب و هوایی پاریس بازگشت اما هنوز با گذشت چیزی حدود ۲ ماه از پیروزی بایدن در انتخابات و گام نهادن به کاخ سفید هنوز آمریکا تصمیمی برای بازگشت به برجام و لغو تحریم‌های ایران اتخاذ نکرده است. هر چند که آمریکایی و اروپایی‌ها بارها از مذاکره مجدد و قرار دادن برخی مسائل دیگر در قالب مذاکره سخن گفته‌اند اما ایران هیچگاه زیر بار این موضوع نرفته و مقامات کشورمان تصریح کرده‌اند که برجام قابل مذاکره مجدد نیست. آنچه مسلم است آمریکا راهی جز بازگشت به برجام و لغو تحریم‌های یکجانبه و ظالمانه علیه ایران ندارد. هر عملی غیر از این به سمت و سویی غیر از احیای برجام حرکت خواهد نمود. برای بررسی حواشی پیرامون برجام، علل تغییر رویکرد آمریکا و اروپا به این توافق‌نامه و آینده برجام «آرمان ملی» با پیروز مجتهدزاده تحلیلگر مسائل بین‌الملل و کارشناس جغرافیای سیاسی به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

بایدن همواره پیش از روی کار آمدن از لغو تحریم‌های ایران و بازگشت به برجام سخن می‌گفت؛ اما رویکرد امروزش با دیروز تفاوت دارد؛ اساسا چه اتفاقی افتاده که آمریکا و اروپا که خواهان حفظ برجام و بازگشت آمریکا به ایران توافق بودند امروز موضع دیگری علیه ایران اتخاذ می‌کنند؟

آقای بایدن از روز اول که روی کار آمد از قصد خود برای بازگشت به برجام خبر داد و امروز هم بر همین موضع تاکید دارد. اما بایدن نگفت که ایران هر کاری خواست انجام دهد و آمریکا هم بدون قید و شرط به برجام بازخواهد گشت. آقای ظریف که می‌گوید همه تحریم‌ها باید برداشته شود باید بداند که آمریکا نمی‌تواند همه تحریم‌ها را یکجا بردارد. به‌دلیل اینکه بسیاری از این تحریم‌ها تحریم‌های سازمان ملل متحد و قانونی است که باید با همکاری آمریکا و اروپا از بین برود. اما تحریم‌های شخصی و یک طرفه ایالات متحده آمریکا غیرقانونی هستند و همیشه هم گفته‌ایم که این تحریم‌ها باید برداشته شود. یعنی تحریم‌هایی که ترامپ و جورج بوش و حتی اوباما علیه کشورمان وضع کردند باید برداشته شود. ولی ما نمی‌توانیم بگوییم تحریم‌هایی که سازمان ملل علیه کشورمان وضع کرده توسط آمریکا یا اروپا برداشته شود، چراکه آن موضوع باید در سازوکار خود بررسی شود. این مشکل ما است که در بیان مسائل دقت نمی‌کنیم. آقای روحانی و ظریف از ابتدا هم گفتند که آمریکا تحریم‌ها را بردارد و ماهم به برجام باز می‌گردیم ولی آقای رئیس جمهور و وزیر خارجه وقتی که اروپا پیشنهاد می‌کند که حالا که ایران و آمریکا نمی‌توانند با هم مذاکره کنند در یک نشست غیررسمی حاضر شوند می‌گویند که حاضر نیستیم. برای احیای برجام و استفاده از دستاوردهای آن نباید درهای مذاکره و گفت‌وگو را بست. اینجا ما بحث از یک دیپلماسی بسیار پیچیده هنرمندانه می‌کنیم. از یک طرف ایران می‌گوید ابتدا تحریم‌ها باید لغو شود و آمریکا به برجام بازگردد تا ما هم از انجام اقدامات کاهش تعهدات خود بازگردیم و از طرف دیگر آمریکا می‌گوید که اول ایران باید به تعهدات خود بازگردد تا ما هم در این راه قدم برداریم و به برجام بازگردیم. حال تکلیف چیست؟ اینجا با یک حلقه مفقوده مواجه هستیم که باید در این میان مشکل را به‌نحوی حل کند. این بحث عملی بازرسی آژانس نیست بلکه یک بحث دیپلماتیک و فنی است. راه‌حل این مساله همان چیزی است که اروپایی‌ها پیشنهاد کردند که یک دیدار چندجانبه اما غیررسمی تشکیل دهیم که آمریکا هم حضور داشته باشد و شرکت کند تا قدم اول برای آغاز گفت‌وگوی غیررسمی میان ایران و آمریکا برداشته شود و پس از آن طرف‌ها رسما وارد برجام شوند. اما مخالفت شد.

به اذعان خود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران به همه تعهدات خود عمل کرده و این کمترین انتظاری است که می‌توان از سایر طرفین برجام داشت تا به تعهدات خود عمل کنند و در این راستا ایران دست بالا را دارد؛ اما چرا با این وجود آمریکا و اروپا از عمل به وظایف و تعهدات خود سر باز می‌زنند؟

ممکن است ایران به‌صورت‌هایی دست بالا را داشته باشد اما باید بلد باشیم که این دست بالا را چگونه مورد استفاده قرار دهیم. ولی ما نمی‌توانیم در یک برخورد حداکثری و انعطاف ناپذیر امکانات دست بالا داشتن خودمان را نابود کنیم. به عبارت دیگر ما باید با استفاده از یک هنر دیپلماسی پیشرفته دست بالای خودمان را تبدیل به وسیله‌ای کنیم تا خواست‌های مشروع نهایی ما برآورده شود نه اینکه همه چیز را به هم بزنیم. اینکه دست بالا با ایران است و اعلام می‌کند که تا آمریکا تحریم‌ها را لغو نکند ایران نیز به تعهدات خود بازنخواهد گشت قبول اما برای اینکه این توافق بیشتر و بهتر پیش برود و طرفین هم از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند می‌توان به این سمت و سو رفت تا جلسه‌ای غیررسمی با اروپایی‌ها و آمریکا برگزار کرد و در آنجا به آمریکایی‌ها گفت که اگر تحریم‌ها را برندارید ما هم به تعهدات خودمان باز نمی‌گردیم. این به لحاظ بین‌المللی نیز به نفع خودمان است. اما از این جلسه هم خودداری می‌کنیم.

با وجود اینکه مقامات کشورمان بارها اعلام کرده‌اند که شرط بازگشت آمریکا به برجام لغو همه تحریم‌ها است؛ اما آمریکایی‌ها رویکرد دیگری دارند و در همین راستا سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته قرار نیست همه تحریم‌های ایران لغو شود؛ این تقابل در موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این خیلی طبیعی است و به نوعی همان حرف ماست که می‌گوییم اگر تحریم‌ها لغو شود ما هم مرحله به مرحله به تعهدات خود بر می‌گردیم و به عبارتی امتیازگیری متقابل می‌کنیم. اگر درست نگاه کنیم اکنون در یک میدان تمام عیار دیپلماتیک قرار داریم و اکنون دیگر در مرحله مانور دادن به‌صورت تحمیل تحریم‌های جدید یا اینکه افزایش غنی سازی قرار نداریم بلکه در مرحله بحث و چانه زدن هستیم. یعنی فضا تماما دیپلماتیک است. ما زمانی که به هر دو طرف گوش می‌دهیم می‌بینیم که هر دو طرف کلامی تماما مشابه می‌گویند. لذا ما باید این مساله را به‌نحوی از بن بست خارج کنیم. اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده حالا که هر دو طرف بر موضع خود پافشاری می‌کنند ما یک جلسه غیررسمی با حضور ایران و آمریکا تشکیل می‌دهیم تا در آن صرفا به بحث و تبادل نظر پرداخته و شرایط برای تعامل بیشتر هموار کنیم.

اقدامات تحریک‌کننده اروپا و آمریکا مثل پیش نویس قطعنامه علیه ایران در شورای حکام که به سرانجام هم نرسید تعامل مثبت طرف‌های برجام را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد به‌نحوی که آنها بخواهند رویکردهای دیگری اتخاذ کنند؟

اقدام اروپا در لغو قطعنامه علیه ایران طبیعتا اقدامی مثبت است برای تسهیل راه گام برداشتن‌های دیپلماتیک ایران و آمریکا به سوی هم. در عین حال ما به یاد می‌آوریم که در گذشته نیز از این مباحث زیاد داشتیم و قبلا هم گفتم که اقدامات ترامپ و فشار حداکثری که بر ایران وارد می‌کند باعث خواهد شد که ایران به سمت چین و روسیه متمایل شود. ولی در بحث دیپلماسی برای حل یک معضل بزرگ که به همه به‌خصوص ما ایرانی‌ها لطمه وارد می‌کند باید مقداری دیپلماتیک فکر کرد و مصلحت اندیشی به کار برد. نخستین کاری که ما باید انجام دهیم این است که باید بپذیریم برجامی را امضا کردیم که ۵ قدرت دیگر نیز آن را امضا کرده‌اند. هر چند که یکی از اعضا از این توافق خارج شد و اکنون می‌خواهد که بازگردد. حال که آنها می‌خواهند برگردند و خودمان نیز بارها گفته‌ایم که آمریکا راهی به جز بازگشت به برجام ندارد باید مقداری از پافشاری‌های سختگیرانه عدول کرد و منتظر حضور هرچه سریع‌تر آنها در این توافق و عمل به تعهداتشان باشیم. نباید شرایط به سمت و سویی برود که آنها به جای بازگشت به برجام به مسائل و راه‌های دیگر روی بیاورند.

خب؛ ایران نیز بازگشت آمریکا به برجام را مشروط به لغو تحریم‌ها می‌داند، چراکه بازگشت آمریکا به برجام بدون لغو تحریم‌ها تاثیری به حال ایران ندارد، نباید این فهم مشترک بین اروپا و آمریکا ایجاد شود که برای پیشبرد برجام باید منافع ایران نیز لحاظ گردد؟

وقتی چنین اتفاقی رخ می‌دهد و دو طرف محکم بر موضع خود ایستاده‌اند دو طرف باید به شخص ثالث مراجعه کنند که در این ماجرا شخص ثالث سه کشور اروپایی است. آنها پیشنهاد نشستی غیررسمی برای مفاهمه و تعامل بیشتر داده‌اند که ما نپذیرفتیم. البته کار وزیر امور خارجه در اصول درست است که وقتی ما از دید قانونی دست بالا را داریم می‌توانیم خواسته‌های خود را مطرح کنیم. اما آقای ظریف باید بداند که اگر در مطرح کردن خواسته‌هایمان زیادی حداکثر خواهی کنیم از آن طرف نردبان خواهیم افتاد. البته اگر شرایط به همین صورت هم باقی بماند به هیچ‌وجه به زمان پیشا برجام باز نخواهیم گشت. ما باید توجه داشته باشیم که در این میدان بازی دیپلماتیک تنها فقط خودمان هستیم و هیچ یار و یاور و مدافعی نداریم. ولی می‌بینیم که حریف ما متنبه شده است. حال هر منظوری که می‌خواهد داشته باشد. می‌خواهد الگویی از برجام درست کند تا آن را در سایر مسائل بین‌المللی نیز استفاده کند یا چیز دیگر ما باید به فکر کشور خودمان باشیم نه بقیه جهان. هر منظوری که داشته باشد مهم نیست. چنانکه ما هم منظورهایی را وسط می‌آوریم که گاه ارتباطی به جایی ندارد. آنچه که مهم است اینکه ما برای رسیدن به هدف خودمان یک قدم بر می‌داریم و قدم طرف مقابل را هم می‌شماریم و رصد می‌کنیم که چگونه قدم برمی‌دارد. اگر درست انجام داد ما هم قدم درست برمی‌داریم اما اگر قدم نادرستی برداشت ما هم عمل متقابل می‌کنیم. آمریکا می‌گوید قدم به قدم جلو می‌آییم چراکه بایدن نمی‌تواند تحریم‌های قانونی سازمان ملل را بردارد. اما باید همه تحریم‌های یکجانبه که از سوی کنگره یا دستور اجرایی رئیس جمهور بوده را لغو کند. ما هم باید روشن کنیم که منظورمان از همه تحریم‌ها صرفا همه تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی وضع شده از سوی آمریکا است. ما خواهان لغو همه تحریم‌های غیرقانونی و یکجانبه آمریکا چه از سوی دولت، سنا یا کنگره هستیم و این درک را داریم که برای لغو بقیه تحریم‌ها نیازمند همکاری آمریکا و اروپا است. زمانی که این مفهوم روشن شد باید قدم به قدم پیش رفت تا تحریم‌ها از سوی آمریکا برداشته شود و از طرف دیگر ایران نیز به تعهدات خود بازگردد. ما اکنون در مرحله تقابل گرم یا سرد نیستیم بلکه در مرحله دیپلماسی قرار داریم و مذاکره می‌کنیم که آیا گفت‌وگو کنیم یا نکنیم. درست است که دست بالا را داریم اما زمانی که از موضع بالا صحبت می‌کنیم باید شمرده، حساب شده و آینده نگر برخورد کنیم نه اینکه به‌نحوی برخورد کنیم که از آن طرف بیفتیم. من معتقدم رد پیشنهاد اتحادیه اروپا در زمینه دیدار غیررسمی با شرکت آمریکا، ۴ کشور دیگر و جمهوری اسلامی ایران کار خیلی دقیقی نبود.

چندی پیش وندی شرمن از مقامات آمریکایی در مذاکرات هسته‌ای اذعان کرد که برجام نسبت به سال ۲۰۱۵ تغییرات زیادی کرده و باید دوباره مورد مذاکره قرار گیرد؛ این در حالی است که مقامات کشورمان بارها از عدم مذاکره مجدد در باب برجام سخن گفتند؛ چرا امروز موضع آمریکایی‌ها نسبت به برجام تغییر کرده است؟

اگر به یاد داشته باشید وقتی ترامپ از توافق برجام خارج شد گفت من مخالف برجام نیستم اما شکل فعلی آن را قبول ندارم و باید خودم دوباره با ایرانی‌ها مذاکره کنم و برخی از ملاحظاتی که در این برجام پیش بینی نشده بود از جمله مساله قدرت دفاعی ایران و مسائل منطقه را بگنجانیم. این بحثی بود که ترامپ هنگام خروج از برجام مطرح کرد. اکنون نیز آقای بایدن می‌خواهد به همان جایی که ترامپ از برجام خروج کرد بازگردد. یعنی این برجامی که امضا شده را ترامپ به هم زده و بهانه خوبی به دست ما داد که آن را درست کنیم. بایدن کاملا در این موضع روشن صحبت کرد و گفت باید در مورد برجام مذاکرات بیشتری انجام دهیم و برخی از مسائل از جمله قدرت دفاعی ایران را نیز مورد مذاکره قرار دهیم. اینکه چنین وضعیتی اتفاق بیفتد یا نیفتد و یا به‌صورتی اتفاق بیفتد که به سود ما هم باشد تمام بستگی به درایت و ورزیدگی دیپلماسی ما دارد. ما از روز اول اعلام کردیم در مورد قدرت دفاعی کشور حاضر به مذاکره نیستیم و اکنون هم وضعیت ما تغییر نکرده است. ما می‌توانیم همین موضوع هوشیارانه خود را داشته باشیم. اما اینکه مذاکره نمی‌کنیم بدترین شکل دیپلماسی است. اینکه ما همه راه‌ها را به روی خودمان ببندیم یک رفتار دیپلماتیک نیست.

با این تفاسیر تفاوت میان ترامپ و بایدن در خصوص رویکردشان به برجام کجا است جایی که هر دو به مذاکره بیشتر در خصوص سایر مسائل اشاره می‌کنند؟

خیر؛ بایدن حرف دیگری می‌زند و می‌گوید اگر ایران با امر بازگشت به برجام موافق باشد ما تحریم‌هایی را بر می‌داریم در حالی که ترامپ چنین حرف‌هایی نزد. همین اخیرا بایدن ترتیبی داد که بخشی از دارایی بلوکه شده ایران در کره جنوبی آزاد شود. ترامپ فریاد می‌کشید همان مقدار پول بلوکه شده ایران در آمریکا که از سوی اوباما به ایران پرداخت شد خیلی کار غلطی بود و خیانت کردند. اما اکنون بایدن مثل همان کار را به نفع ایران در کره جنوبی انجام می‌دهد. پس تفاوت میان اینها بسیار است.

از دیدگاه شما آینده برجام چگونه رقم خواهد خورد؛ اساسا ایران، آمریکا و اروپا به نوعی فهم مشترک از توافق خواهند رسید؟

من معتقدم که با رفتن ترامپ و آمدن بایدن آمریکایی‌ها مقداری عقلانیت پیشه کردند. حال ایران نیز باید مقداری شعارها را کنار بگذارد و پیشنهاد نشست غیررسمی اروپا را رد نکند. از طرف دیگر در مورد عملکرد اروپایی‌ها باید با در نظر گرفتن شرایط صحبت کرد. آنها هر تغییری در وضعیت خود دادند قدم به قدم صحبت کردند و شعار دادند و گفتند که در مقابل کدام گام ایران چنین اقداماتی را انجام دادند. اروپایی‌ها مثل ترامپ عمل نکردند که یکدفعه بگویند ما نیستیم. آنها مماشات می‌کنند اما یادمان باشد که چه اروپایی‌ها یا چین و روسیه باشند در این معضل بسیار پیچیده شده‌ای که در میان است هیچ‌یک از طرفین به‌طور یکجانبه نمی‌تواند تصمیم بگیرد. فراموش نکنیم که بر روی گرده آمریکای بایدن نیز اسرائیل ضد بشر نشسته است. دیدیم که بایدن به اسرائیلی‌ها بی‌اعتنایی بسیاری کرد و عرب‌های سعودی را نیز سر جای خودشان نشاند. ما نیز نباید با مساله برجام و ۵+۱ شعاری برخورد کنیم.

جمعیت امام علی؛ اصلاح یا انحلال؟

ادامه از صفحه ۳ / -به این دلیل که بی‌گناه بودن همه افراد حقیقی و حقوقی یک اصل اساسی و حیات‌بخش و امیدآفرین است و اثبات خلاف آن هرچه نادرتر باشد نشان‌دهنده سلامت بیشتر جامعه است.

-به این دلیل که اثبات عدم تخلف یک تشکل مردم‌نهاد از افول انگیزه‌ها برای فعالیت‌های خیرخواهانه و انسانی می‌کاهد و برای جامعه ما که با انبوه مشکلات روبه‌روست دلگرم‌کننده است.

-به این دلیل که جمعیت مذکور افراد زیادی از ایتام و نیازمندان را زیر پوشش خود دارد و اگر آنها از دریافت کمک‌های معمول این جمعیت محروم شوند آسیب بیشتر خواهند دید و تا تحت پوشش قرارگرفتن از سوی کمیته امداد یا سازمان بهزیستی دچار هراس بی‌کسی خواهند شد و این هرگز موافق طبع انسانی و اخلاقی نیست.

-به این دلیل که تشکل‌های مشابه احساس امنیت لازم را نخواهند کرد و شاید عطای کار خیر را به لقایش ببخشند. آنها می‌خواهند امدادی به همنوعان خود برسانند، نمی‌خواهند که بجنگند یا با دولت دربیفتند.

می‌توان دلایل متعدد دیگری ذکر کرد و بر حجم امید خود افزود که مسئولان توجه کنند و امکان ادامه فعالیت این تشکل را فراهم آورند ولی یک دلیل بزرگ وجود دارد که امید است تصمیم‌گیران اصلی به آن توجه کنند و حتی اگر از نظر قضائی موضوع ختم‌به‌خیر نشد، راه دیگری پیش پای این مجموعه بگذارند تا رسم نیکی و کمک به فقرا آسیب نبینند. جامعه‌شناسان بهتر گفته و تاکید کرده و می‌کنند که هر جامعه‌ای برای استحکام و ادامه حیات و برای پویایی و سرزندگی خود نیازمند سرمایه اجتماعی است و این سرمایه جز از طریق همدلی‌ها و گذشت‌ها و نوع‌دوستی‌های مستقل و فعالیت‌های خودجوش و ارزشمند جمعی به‌دست نمی‌آید. مردم با نهادهای مدنی متنوع توان ایستادگی درمقابل امواج متلاطم حوادث را پیدا می‌کنند و انواع آسیب‌ها را از خویش و حتی کشور دور می‌سازند و هنگامی که لازم باشد روی پای خود می‌ایستند. نهادهای اجتماعی چون پایه‌های ساختمانی استوار جلوی لغزش‌ها را می‌گیرند و به خودآگاهی جامعه مدد می‌رسانند. بدون نهادهای مدنی، ایجاد جامعه‌ای هوشمند و توانا و خلاق اگر امکان‌ناپذیر نباشد سخت و دشوار خواهد بود. در جامعه مدنی مردم متشکل می‌شوند و هر مشکل اجتماعی و حتی سیاسی از راه گفت‌وگو و رایزنی قابل حل شدن است. کسانی که طالب جامعه تک‌قطبی هستند و احساس می‌کنند تنها از این طریق می‌توانند حمایت توده‌ها را از آن خود کنند، در بسیاری از حوادث دربرابر سیل مشکلات گوناگون تنها می‌مانند و کسی وجود نخواهد داشت که با آنها به مذاکره و تعامل بپردازد. همین حالا هم می‌بینیم که درجریان برخی از حوادث دست مسئولان به‌سوی مردم دراز می‌شود و با بزرگان اقوام رایزنی صورت می‌گیرد تا شهروندان توجیه شوند و راه درست شناخته شده و از خسارات بی‌دلیل جلوگیری به‌عمل آید. در جریان ناآرامی در سراوان معاون امنیتی انتظامی استاندار سیستان و بلوچستان ضمن تشریح ابعاد حادثه می‌گوید: «بعد از این ماجرا با معتمدان محلی صحبت کردیم و موضوع تحت کنترل درآمد... البته اشاره به این موضوع برای نمونه است و تاکنون بسیار اتفاق افتاده است. معتمدان محلی، معتمدان صنفی، معتمدان رسانه‌ای، معتمدان مذهبی، معتمدان دانشگاهی همان کارکرد نهادی مدنی را دارند که اگر با اسم و رسم و ثبت و ضبط باشند، نه‌تنها هنگام مشکلات بلکه در هر موضوعی امکان تعامل مثبت و گفت‌وگو را پدید می‌آورند و از بی‌اعتمادی‌ها و رواج شایعه‌ها و جنگ روانی بیگانگان جلوگیری می‌کنند. حکومت با نهادهای مدنی مستقل و جدی امکان ارزشمند دیالوگ را پیدا می‌کند و از عمیق شدن شکاف‌ها جلوگیری به‌عمل می‌آورد. با نهادهای مدنی مختلف و ریشه‌دار نظارت‌های قوی و واقعی و موثر در همه ابعاد شکل می‌گیرد و مبارزه‌ای اساسی با فساد پدید می‌آید. اگر در جمعیت‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها و صنوف مختلف فسادی پدید آید، باید در رفع آن فساد نهایت تلاش را صورت داد و مسئولانه به حفظ شاکله آن نهاد مدنی اهتمام ورزید. انحلال یک تشکل مردم‌نهاد باید آخرین راه و تلخ‌ترین و نادرترین اقدام باشد و هنگامی محقق شود که نظارت‌ها و گفت‌وگوها و رایزنی‌ها و حسن‌نیت‌های گوناگون جواب ندهند. آیا واقعا همه راه‌های نجات این تشکل از انحلال پیموده شده‌اند؟ این حق جامعه ماست که از تجربه‌های کارآمد و ضروری بشری استفاده کند و پایه‌های مدنیت خود را تقویت کند تا آسیب‌های درونی و برونی را از خود و کشور بزداید. اقدام وزارت کشور برای انحلال یک تشکل خیریه دلایل زیادی طلب می‌کند که با توضیحات کلی و چندجمله‌ای بعید است افکار عمومی قانع شوند.

روبه رو

محسن پاک‌آیین: با اجرای مصوبه مجلس بعید است که تحریم‌ها لغو شود

انتخابات خردادماه چیزی را تغییر نخواهد داد

نزدیک به ۴۰ روز از ورود جو بایدن به کاخ سفید گذشته و به‌رغم وعده‌های انتخاباتی او همچنان خبری از بازگشت به برجام و لغو تحریم‌های ایران نیست. روزنامه وال استریت جورنال از قول دو «مقام آگاه» گزارش داده که ایران پیشنهاد آمریکا و اتحادیه اروپا برای مذاکره مستقیم با ایالات متحده بر سر برجام در هفته‌های آینده را رد کرده است. موضوعی که سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت امور خارجه نیز بدان اشاره کرد و گفت اجرای تعهدات همه طرف‌ها در برجام موضوع مذاکره و بده بستان نیست و همه بده بستان‌ها ۵ سال پیش انجام شده است. مسیر پیش رو بسیار روشن است: آمریکا باید به تحریم‌های غیرقانونی و یکجانبه خود خاتمه دهد و به تعهدات برجامی بازگردد. این امر نه به مذاکره احتیاج دارد نه به قطعنامه در شورای حکام. محسن پاک‌آیین دیپلمات پیشکسوت کشورمان و کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها به این زودی‌ها اتفاق نخواهد افتاد و کاخ سفید به دنبال سرپوش گذاشتن به روی بدعهدی‌های خود است. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانیم:

چرا با وجـــود وعـــده‌های بایدن او هنوز سیاست مشخصی برای ورود آمریکا به برجام و لغو تحریم‌های ایران ندارد؟

جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب آمریکا از زمان ورود به کاخ سفید سیاست دقیقی را نسبت به بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای اعلام نکرد. اگرچه او صحبت‌ها و مواضع کلی را در خصوص احیای برجام عنوان کرد اما این به معنای بازگشت آمریکا به برجام و لغو تمام تحریم‌ها علیه ایران نیست. در همان برهه اعلام شد که بازگشت ایالات متحده آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران، همزمان با دیگر پیمان‌هایی که دونالد ترامپ از آن خارج شده بود مشکل‌تر است. دلیل آن نیز مشخص است؛ چراکه آمریکا می‌بایست برای لغو تحریم‌های ایران لابی صهیونیسم را قانع کند که در این راستا فشارهای رژیم صهیونیستی به طور کاملا محسوس علیه آمریکا اعمال می‌شود. در این بین شاهد لفاظی و تهدید از سوی مقامات این رژیم هستیم. موضوع بعدی به ساختار آمریکا برمی‌گردد؛ صرف‌نظر از هر حزبی که در قدرت باشد این کشور ایران را دشمن خود می‌داند. این حتی به دوره پس از انقلاب و جمهوری اسلامی مربوط نمی‌شود، چراکه در پیش از انقلاب هم آمریکایی‌ها خصومت خود را به مردم ایران نشان دادند. در آن دوره با تاراج منابع نفت و گازی ایران و در این دوره با انواع توطئه‌ها و تحریم‌ها در حال اثبات دشمنی خود هستند. با توجه به این موارد می‌توان دریافت که آمریکا